

## مقایسه تطبیقی تفسیر فیلیس تریبل و میکه بل از داستان سقوط<sup>۱</sup>

روح اله مهدوی حاجی<sup>۲</sup>

دانشجوی دکتری رشته دین پژوهی، دانشگاه ادیان و مذاهب، قم، ایران

مهدی لک زائی<sup>۳</sup>

استادیار دانشگاه ادیان و مذاهب، قم، ایران

### چکیده

فصل سوم سفر پیدایش یکی از چالش‌آمیزترین متون برای مفسران فمینیستی است. فیلیس تریبل به عنوان نماینده مکتب تفسیری فمینیستی لیبرال و میکه بل به عنوان نماینده مکتب تفسیری فمینیستی پست‌مدرن به تفسیر این متن پرداخته‌اند که در این مقاله نقاط اشتراک و اختلاف این دو جریان، در تفسیری که از یک متن واحد ارائه می‌کنند، نشان داده می‌شود. هر دو مفسر در تلاشند تا با رویکرد طرفداری از حوا از بار مسئولیت او در گناه نخستین بکاهند. تریبل با وفاداری به متن، ضمن پذیرش اشتباه حوا در گناه نخستین، جنسیت حوا را در وقوع گناه، بی‌تأثیر دانسته است. او مجازات خداوند را از عواقب بی‌نظمی حاصل از گناه نخستین می‌داند؛ اما میکه بل با ارائه تفسیری خلاقانه، عمل حوا را ماموریتی در مسیر کمال بشر می‌داند تا ضمن شکل‌گیری شخصیت انسانی، نسل بشر با کسب معرفت جنسی استمرار یابد. او مجازات خداوند را از نتایج گناه و مسئولیت‌بخش می‌داند.

### کلیدواژه‌ها

فمینیسم، کتاب مقدس، تفاسیر فمینیستی، پیدایش، سقوط.

۱. تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۶/۸ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۷/۱

۲. پست الکترونیک (مسئول مکاتبات): ro.mahdavi@gmail.com

۳. پست الکترونیک: mahlakzaei@gmail.com

### ۱. مقدمه

کسانی که با الاهیات مسیحی آشنا هستند، می‌دانند که ماجرای گناه نخستین، نقشی مهم در این الاهیات بازی می‌کند و مسیحیت، تمام توان خود را برای زدودن این گناه از دامن بشر به خدمت گرفته است. ماجرای این گناه در فصل سوم سفر پیدایش مطرح شده است. در این بخش از کتاب مقدس آمده است که پس از آفرینش آدم خداوند به او فرمان می‌دهد که: «از همه درختان باغ بی‌ممانعت بخور، اما از درخت معرفت نیک و بد زنه‌ار نخوری، زیرا روزی که از آن خوردی، هر آینه خواهی مرد». (پیدایش ۲: ۱۶-۱۷) پس از این فرمان، حوا آفریده می‌شود. ادامه ماجرای سقوط در کتاب مقدس به این‌گونه نقل می‌شود:

مار که حیوانی زیرک بود به حوا می‌گوید: «آیا خدا حقیقتاً گفته است که از همه درختان باغ نخورید؟» زن به مار گفت: «از میوه درختان باغ می‌خوریم، لکن از میوه درختی که در وسط باغ است، خدا گفت از آن نخورید و آن را لمس نکنید، مبادا بمیرید». مار به زن گفت: «هر آینه نخواهید مرد، بلکه خدا می‌داند در روزی که از آن بخورید، چشمان شما باز شود و مانند خدا عارف نیک و بد خواهید بود». و چون زن دید که آن درخت برای خوراک نیکوست و به‌نظر خوش‌نما و درختی دل‌پذیر و دانش‌افزا، پس از میوه‌اش گرفته، بخورد و به شوهر خود نیز داد و او خورد. آن‌گاه چشمان هر دو ایشان باز شد و فهمیدند که عریانند. پس برگ‌های انجیر به هم دوخته، سترها برای خویشتن ساختند و آواز خداوند خدا را شنیدند که در هنگام وزیدن نسیم نهار در باغ می‌خرامید، و آدم و زنش خویشتن را از حضور خداوند خدا در میان درختان باغ پنهان کردند. خداوند خدا آدم را ندا در داد: «کجا هستی؟» گفت: «چون آوازت را در باغ شنیدم ترسان گشتم زیرا که عریانم پس خود را پنهان کردم». گفت: «که تو را آگاهانید که عریانی؟ آیا از آن درختی که تو را قدغن کردم که از آن نخوری، خوردی؟» آدم گفت: «این زنی که قرین من ساختی، وی از میوه درخت به من داد که خوردم». پس خداوند خدا به زن گفت: «این چه کار است کردی؟» زن گفت: «مار مرا اغوا نمود که خوردم». پس خداوند خدا به مار گفت: «چون‌که این کار کردی از این جمیع بهایم و از حیوانات صحرا ملعون‌تر هستی! بر شکم راه خواهی رفت و تمام ایام عمرت خاک خواهی خورد و عداوت در میان تو زن، و در میان ذریت تو و ذریت وی می‌گذارم؛ او سر تو را خواهد کوبید و تو پاشنه وی را خواهی کوبید». و به زن گفت: «آلم و

حمل تو را بسیار افزون گردانم. با آلم، فرزندان خواهی زایید و اشتیاق تو به شوهرت خواهد بود و او بر تو حکم رانی خواهد کرد». و به آدم گفت: «چون که سخن زوجهات را شنیدی و از آن درخت خوردی که امر فرموده، گفتم از آن نخوری، پس به سبب تو زمین ملعون شد و تمام ایام عمرت از آن با رنج خواهی خورد. خار و خس نیز برایت خواهد رویانید و سبزه‌های صحرا را خواهی خورد، و به عرق پیشانی‌ات نان خواهی خورد و تا حینی که به خاکی راجع گردی که از آن گرفته شدی زیرا تو خاک هستی و به خاک خواهی برگشت». و آدم، زن خود را حوا نام نهاد، زیرا که او مادر جمیع زندگان است و خداوند خدا رخت‌ها برای آدم و زنش از پوست بساخت و ایشان را پوشانید و خداوند خدا گفت: «همانا انسان مثل یکی از ما شده است، که عارف نیک و بد گردیده. اینک مبدا دست خود را دراز کند و از درخت حیات نیز گرفته بخورد، و تا به ابد زنده ماند». پس خداوند خدا، او را از باغ عدن بیرون کرد تا کار زمینی را که از آن گرفته شده بود، بکند (پیدایش ۳).

تفاسیر سنتی از کتاب مقدس، حوا را مسئول گناه نخستین دانسته‌اند و بار مسئولیت این گناه را بر دوش او انداخته‌اند. به عنوان مثال از نظر ترتولیان، گناه حوا به عنوان اولین آفریده زن، به زنان دیگر هم سرایت نموده و جنس زن را پست‌تر از مرد قرار داده است. در این میان مرد، که تمثیل خداوند و نماینده او در زمین است، توسط زن، نابود می‌گردد. او به مخاطبان زن خود می‌گوید: «آیا شما نمی‌دانید که هر کدام از شما یک حوا هستید؟ از آن‌جا که مشیت خداوند بر این است که شما با این بدن و جنسیت زندگی کنید، به‌ناچار گناه نیز در بدن شما زندگی می‌کند. شما دروازه شیطان هستید. شما حکم ممنوعیت آن درخت (ممنوعه) را شکستید. شما اولین ناقض فرمان خداوند هستید. شما کسی هستید که او (آدم) را متقاعد کرد که شیطان آن‌قدر هم نیرومند نیست که حمله کند. شما به‌آسانی تمثیل خداوند یعنی مرد را از بین بردید».<sup>۱</sup> آگوستین نیز مانند بسیاری از مفسران سنتی، بار مسئولیت گناه نخستین را بر دوش حوا می‌اندازد و او را در وقوع این نافرمانی و وقایع بعد از آن مقصر می‌داند.<sup>۲</sup> در مقابل این تفاسیر سنتی، جنبش فمینیسم، سؤالات دشواری را

1. Tertullian, *On the Apparel of Women*, S. Thelwall, New York, Christian Literature Company, 1890, vol.4, p.14.

2. Augustine, *The Literal Meaning of Genesis*, John Hammond Taylor, New York, Paulist Press, 1982, vol.1, p.268.

نسبت به این متن از کتاب *مقدس* مطرح نموده و به دنبال پاسخ‌گویی و ارائه تبیین و یا تفسیری جدید از آن برآمده است. تقریباً هیچ منتقد فمینیستی نیست که در مورد گناه نخستین بحث نکرده باشد. در حالی که الاهیات و زاویه دید هر کدام با دیگری متفاوت است اما هر یک از آنان بر بخشی از این داستان متمرکز شده و مطابق با مبانی الاهیاتی و تفسیری خود، نسبت به ارائه تفسیری متفاوت از آن اقدام نموده‌اند.

مطابق با مبانی، روش و اهداف تفاسیر فمینیستی، دسته‌بندی‌های مختلفی<sup>۱</sup> از تفاسیر فمینیستی ارائه شده اما در مجموع به نظر نگارندگان مقاله، پنج نوع جریان تفسیری فمینیستی از کتاب *مقدس* را می‌توان شناسایی نمود که عبارت‌اند از: تفاسیر مخالف<sup>۲</sup>، تفاسیر لیبرال<sup>۳</sup>، تفاسیر انجیلی<sup>۴</sup>، تفاسیر تعالی<sup>۵</sup>، تفاسیر پست‌مدرن<sup>۶</sup>.

تفاسیر مخالف، کتاب *مقدس* را به دلیل این‌که یک منبع معتبر نمی‌تواند مشتمل بر ظلم و ستم به زنان باشد، به صورت کامل کنار گذاشته و عملاً تفسیری از این متن ارائه نمی‌دهند. از جمله این مفسران مارگارت دافنه هامپسون<sup>۷</sup> است. او معتقد است غلبه بر دین مردسالار برای رهایی انسان لازم است. او در کتاب *پس از مسیحیت*<sup>۸</sup> می‌نویسد: «داستان‌های کتاب *مقدس* و روایت تاریخ در کتاب *مقدس*، عمیقاً به روابط بشری ضربه می‌زند»<sup>۹</sup>. طبق نظر او تنها راه سالم ماندن روابط انسانی، رد کامل کتاب *مقدس* و هم‌چنین مسیحیت است.

۱. به عنوان مثال کارولین اسیک در مقاله «فمینیست و کتاب مقدس: جایگزین تفسیری (The Feminist and the Bible: Hermeneutical Alternatives)»، تفاسیر فمینیستی از کتاب *مقدس* را به پنج دسته تقسیم کرده است: ۱. جریان مخالف (The Rejectionist)، ۲. جریان وفادار (The Loyalist)، ۳. جریان تجدیدنظرطلب (The Revisionist)، ۴. جریان تعالی (The Sublimationist)، ۵. جریان لیبرال (The Liberationist).

2. Rejection Interpretation
3. Liberal Interpretation
4. Evangelical Interpretation
5. Sublimation Interpretation
6. Post Modern Interpretation
7. Margaret Daphne Hampson
8. After Christianity
9. Hampson, Margaret Daphne, *After Christianity*, London, SCM Press, 1996, p.87.

تفاسیر تعالی، الاهیات خاص خود را جایگزین الاهیات مسیحی می‌نمایند. از نظر مفسران تعالی در الاهیات سنتی مسیحی، امیدی برای نجات زنان از ظلم و ستم مردسالارانه دیده نمی‌شود. از نظر آنان ساختار و متن کتاب مقدس مردسالارانه بوده و مسئله تنها در تفسیر و خوانش مردسالارانه کتاب مقدس نیست که با تجربه زنان این مسئله حل شود. از این رو، هر تفسیری از این کتاب عرضه شود به تحکیم مبانی مردسالارانه کمک نموده و بازی در زمین مردسالاران تلقی می‌شود. از نظر آنان، جایگزینی این کتاب با الاهیاتی مخصوص زنان، می‌تواند راه‌گشا باشد و جهان جدیدی برای زنان بیافریند. این دسته صرفاً دیدگاه خود را نسبت به کتاب مقدس اظهار داشته و الاهیات خاص خود را جایگزین کرده‌اند. فمینیست‌ها میان جنس<sup>۱</sup> و جنسیت<sup>۲</sup> تفاوت قائل می‌شوند. جنس امری طبیعی و ذاتی است که میان مرد و زن تفاوت ایجاد می‌نماید و ریشه بیولوژیکی دارد و جنسیت که تحت عنوان مردانگی و زنانگی ارائه می‌شود قالب و ساختاری است که محصول اجتماع بوده و قابل تغییر است. از نظر آنان جنسیت، ساخته جامعه و فرهنگ مردسالارانه است و دین سنتی مسیحی، به عنوان یکی از عوامل استحکام‌بخش این ساختار، مطرح است و کتاب مقدس به عنوان یک متن دینی در ایجاد و شکل‌دهی مردسالاری مؤثر بوده است و لذا باید الاهیات جدیدی را جایگزین الاهیات گذشته نمود. این الاهیات جدید عاری از جنسیت زدگی و تبعیض جنسی است، بر خلاف الاهیات کلاسیک و سنتی که به‌زعم فمینیست‌ها شدیداً جنسیت زده است. از نظر این فمینیست‌ها میان مردانگی<sup>۳</sup> و زنانگی<sup>۴</sup> شکاف و گسست عمیقی وجود دارد.<sup>۵</sup> تأکید بر دوگانگی یا ثنویت (تفاوت زنانگی و مردانگی) در تشبیهات ادبی و نمادگرایی زنانه در کتاب مقدس، دو رویکرد اصلی الاهیاتی مفسران تعالی است.

مفسران لیبرال به دنبال حفظ ایمان مسیحی خود در کنار اعتقاد به مبانی فمینیستی

---

1. Sex

2. Gender

3. Masculine

4. Feminine

5. Newport, John, "The Challenge of Recent Literary Approaches to the Bible, in Beyond the Impasse?" *Scripture, Interpretation, & Theology in Baptist Life*, ed. Robison B. James and David S. Dockery, Nashville, TN: Broadman Press, 1992, p.72.

بوده‌اند. آنان به اصلاح تفاسیر سنتی و ارائه تصویری جدید از کتاب مقدس اقدام نمودند. این مفسران هیچ ابایی از این‌که بخش‌هایی از کتاب مقدس را رد کرده یا محصول فرهنگ مردسالارانه حاکم بر زمان نگارش آن بدانند، ندارند. کسانی مانند رزماری ردفورد رویترا<sup>۱</sup> معتقدند که کتاب مقدس، توسط مردان در یک فرهنگ مردسالار شکل گرفته، به طوری که بسیاری از تجارب و حیانی آن، توسط مردان و در دیدگاهی مردسالارانه تفسیر شده است. در جریان این تفاسیر، تجارب زنان با مبانی مردسالارانه، حذف یا به روش مردانه تفسیر شده است. به این ترتیب کتاب مقدس، به یک منبع معتبر برای توجیه مردسالاری در جامعه یهودی و مسیحی تبدیل شده است.<sup>۲</sup> از نظر الاهیات جنسیتی این مفسران معتقدند که جنسیت محصول جامعه و فرهنگ مردسالار است و برابری کامل در آفرینش زن و مرد وجود دارد. هویت زن با مرد در آفرینش برابر است و هیچ برتری و سلسله‌مراتبی میان زن و مرد در نظر خداوند نیست.

تفاسیر فمینیست‌های انجیلی<sup>۳</sup> عمدتاً دارای شاخصه‌های زیر است: ۱. بر این اندیشه تأکید می‌کنند که کتاب مقدس کلام خدا و وحی الاهی است.<sup>۴</sup> ۲. معتقدند شخصیت‌ها و نمادهای کتاب مقدس را می‌توان با وضعیت زنان امروز مطابقت داد.<sup>۵</sup> ۳. تفاسیر جهانی و عام از آیات تند کتاب مقدس در مورد زنان<sup>۶</sup> امکان‌پذیر نیست و باید به صورت محدود و خاص تفسیر شوند.<sup>۷</sup> ۴. معتقدند فهم شکل ادبی<sup>۸</sup> در یک متن، نقش اصلی را در تفسیر

1. Rosemary Radford Ruether.

2. Ruether, Rosemary Radford, "Feminist Interpretation: A Method of Correlation" *Feminist Interpretation of the Bible*, Edited by Letty M. Russell Westminster Press, Philadelphia, 1985, p.116.

۳. عناوین دیگری که به این دسته از فمینیست‌ها نسبت داده شده عبارتند از: فمینیست‌های کتاب مقدسی (Biblical Feminists)، فمینیست‌های مسیحی محافظه کار (Conservative Christian Feminists) و انجیلی‌های برابری‌خواه (Evangelical Egalitarians).

4. Camp, Claudia V., "Feminist Theological Hermeneutics: Canon and Christian Identity", *Searching the Scriptures*, ed. Elisabeth Schüssler Fiorenza, New York, NY: Crossroad, 1993, p.157.

5. Newport, John, p.72.

۶. متونی که از طریق فمینیست‌ها به چالش کشیده و سؤالات مهمی از سوی فمینیست‌ها نسبت به مطالب آن مطرح شده است. (Hard Text)

7. Camp, Claudia, V., p.158.

8. Literary Form

درست و کامل آن متن بازی می‌کند.<sup>۱</sup> وفاداری به متن در این مفسران بیشتر دیده می‌شود. در تفاسیر فمینیست‌های انجیلی از کتاب مقدس، آن‌ها می‌کوشند تا به متن کتاب مقدس وفادار بمانند. مفسر با دغدغه دفاع از کتاب مقدس و به طرفداری از حجیت آن، اما با رویکردی فمینیستی، متن‌های دشوار را به نحوی تفسیر می‌کند که کم‌ترین آسیب به حجیت این کتاب وارد شود. از نظر جهان‌بینی جنسیتی تفاوتی میان این جریان و جریان لیبرال نیست.

تفاسیر فمینیستی پست‌مدرن، به دنبال کشف معنای مقصود، آن‌چنان‌که در هرمنوتیک مدنظر است، نمی‌باشد؛ کثرت‌گرایی و تنوع از شاخصه‌های اصلی تفاسیر پست‌مدرن است. نگاه این تفاسیر، در فضای هرمنوتیک مدرن تعریف شده و به متن، مانند تفاسیر قبلی نمی‌پردازد. والتر بروگمان<sup>۲</sup> از مفسران پست‌مدرن کتاب مقدس، می‌نویسد: «کاملاً درست است که در هر دوره‌ای، سؤال‌ها، روش‌ها و امکاناتی وجود دارد که از تفکر اجتماعی حاکم بر آن دوران تأثیر پذیرفته و مناسب با آن کارهایی باید انجام شود.<sup>۳</sup> واقعیت بزرگ تفسیر جدید این است که ما در زمینه‌ای کثرت‌گرا زندگی می‌کنیم؛ به نحوی که مفسران مختلف در زمینه بسیار زیادی در مورد منافع مختلف بر روی متن (الاهیاتی) کار تفسیری انجام می‌دهند... علاوه بر این، در حال حاضر تشخیص ما این است که هیچ تفسیر آزاد و بدون جهت‌گیری یا دل‌بستگی وجود ندارد که در خدمت علائق و دفاع از احساس خاصی نباشد.»<sup>۴</sup>

در این مقاله، تفسیر مطرح شده از سوی فیلیس تربیل<sup>۵</sup> به عنوان نماینده جریان لیبرال و تفسیر ارائه شده از سوی میکه بل<sup>۶</sup> به عنوان نماینده جریان پست‌مدرن با یکدیگر مقایسه می‌شوند و تفاوت‌ها و شباهت‌های تفاسیر ارائه شده این دو مفسر از متنی واحد، نشان داده می‌شود و مشخص می‌شود که به‌رغم این‌که هر دو مفسر به اصول فمینیسم متعهد بوده‌اند

1. Johnston, Robert K., "Biblical Authority and Interpretation: The Test Case of Women's Role in the Church and Home Updated", *Women, Authority and the Bible*, ed. by Alvera Mickelsen, Downers Grove, IL: InterVarsity, 1986, p.70.

2. Walter Brueggemann.

3. Brueggemann, Walter, *Theology of the Old Testament*, Fortress Press, 2005, p.11.

4. Ibid, p.63.

5. Phyllis Trible

6. Mieke Bal

اما به دلیل تفاوت در مبانی تفسیری و الاهیاتی، تفاسیر متفاوتی از آنان از یک متن واحد ارائه شده است.

## ۲. فیلیس تربیل

فیلیس تربیل از مفسران فمینیستی لیبرال شناخته می‌شود. او از نویسندگانی است که به دنبال یافتن رستگاری و نجات برای زنان در کتاب مقدس است. او هم به کتاب مقدس به‌عنوان منبع معتبر تعلق خاطر دارد و هم متعهد به چارچوب‌ها و اصول فمینیست است. تربیل در این باره می‌نویسد: «در اوایل دهه ۱۹۷۰ میلادی، تفاسیر فمینیستی از کتاب مقدس ابری بود که بزرگ‌تر از دست یک زن نبود. با علم به این‌که چنین ابری می‌تواند تبدیل به طوفانی بزرگ شود، من شروع به دست‌وپنجه نرم کردن با دو امر مسلم در زندگی کردم؛ یکی عشق به کتاب مقدس و دیگری تعهد به فمینیست. بعضی از دوستانم به من گفتند که این دو هرگز به هم نمی‌رسند اما من احساس کردم که آن‌ها در حال حاضر در درون من ملاقات کرده‌اند. چالش، بیان این رویارویی بود».<sup>۱</sup> او در مباحث تفسیر خود به داستان سقوط در کتاب مقدس پرداخته است. از نظر تربیل، داستان سقوط یکی از داستان‌های مهم و تأثیرگذار در نگاه کتاب مقدس به جایگاه زنان است. او به‌جای رد کتاب مقدس به دلیل نگاه مردسالارانه خود، به بازخوانی و فهم مجدد از این کتاب توصیه می‌کند. او در این رابطه می‌نویسد: «به‌صورت کلی، حرکت آزادی‌خواهانه زنان، در مخالفت و دشمنی با کتاب مقدس است. چراکه خود کتاب مقدس علیه زنان است. آنان در داستان سقوط در سفر پیدایش، باب‌های دوم و سوم، دلیل محکمی برای این ادعا پیدا می‌کنند. بسیاری از فمینیست‌ها این داستان را به‌عنوان داستانی برای بالا بردن برتری و سلطه مردان و فرودستی زنان تفسیر می‌کنند. آن‌ها کتاب مقدس را می‌خوانند تا آن را رد کنند اما پیشنهاد من این است که ما این کتاب را بخوانیم تا بفهمیم».<sup>۲</sup> تربیل به دنبال یک فهم یا درکی جدید برای جایگزین نمودن آن با فهم مردسالارانه در تفسیر کتاب مقدس بود.<sup>۳</sup> دو بخش کلیدی را

1. Kristen E., Kvam, Linda S., Ziegler, Valarie H., *Jewish, Christian, and Muslim Readings on Genesis and Gender*, Indiana University Press, 1999, p.431.

2. Ibid, p.431.

3. Ibid.



می‌توان از تفسیر تریبل از این متن استخراج نمود:

۱. رجوع شیطان به زن.

۲. مجازات زن از طرف خداوند به تبعیت از مرد.

**رجوع شیطان به زن:** برخی از این‌که شیطان برای فریب، ابتدا به سوی حوا رفت و فریفتن را از او آغاز نمود، استفاده نموده و جنس زن را نسبت به گناه و فریب، آسیب‌پذیر دانسته‌اند. به‌عنوان مثال کاسوتو بیان می‌کند که فریب‌کاری شیطان در واقع همانند فریب‌کاری زن است.<sup>۱</sup> زیرا خیال‌پردازی زن بر مرد برتری دارد. بنابراین، این زن بود که اول فریفته شد. پل ریکور<sup>۲</sup> می‌گوید که زن‌ها نشان‌دهنده ضعف هستند چرا که کل داستان نوعی خشم مردانه را نشان می‌دهد.<sup>۳</sup> تریبل این سخنان را رد می‌کند و می‌گوید: «داستان، این قضاوت را ندارد که زن ضعیف‌تر و یا حيله‌گتر از مرد است. زن و مرد هر دو یک آفریننده دارند. خداوند واژه خوب را در معرفی آفرینش زن به کار برد. زن و مرد در آفرینش با هم برابرند. توافق کامل فیزیکی، روانی و اجتماعی و الاهیاتی میان آن‌ها وجود دارد. اگر ضعف اخلاقی در یکی باشد، در دیگری نیز هست. لذا آن‌ها در مسئولیت و داوری، در شرم و گناه، رستگاری و بخشش همانند هستند. روایت، هر چه در مورد طبیعت زن می‌گوید در مورد طبیعت مرد نیز می‌گوید».<sup>۴</sup> تریبل این‌که جنسیت دلیل آسیب‌پذیری حوا نسبت به گناه باشد را نمی‌پذیرد. البته این عدم پذیرش را با استدلال مطرح می‌کند. از نظر او می‌توان چند پاسخ به این مسئله داد. ساده‌ترین پاسخ برای این‌که چرا شیطان با زن سخن می‌گوید ولی با مرد هم کلام نمی‌شود این است که ما نمی‌دانیم. یهوه به ما نمی‌گوید درخت دانش خوبی و بدی چرا در باغ است اما جواب‌های دیگری نیز برای این پرسش وجود دارد. رجوع اول شیطان به حوا به دلیل نقص و آسیب‌پذیری او نبوده بلکه برجستگی‌ها و قوت‌های موجود در حوا، دلیل این رجوع است. تریبل برای این‌که این مسئله را از نقاط قوت حوا بداند از دریچه زنانه و به‌کارگیری تجربه زنان در تفسیر استفاده می‌کند و به تحلیل آن‌چه حوا و آدم در انجام گناه و اعمال پس از آن مرتکب شده‌اند،

1. Cassuto, U., *A Commentary on the Book of Genesis, Part I*, Jerusalem, The Magnes Press, 1961, p.142.

2. Poul Ricour

3. Kristen E., Kvam, Linda S., Ziegler, Valarie H., p.435.

4. Ibid.

می‌پردازد. طبق تحلیل تریبل، با مشاهده عملکرد حوا در کنار عملکرد آدم در داستان گناه نخستین، نه تنها حوا منفعل و ضعیف نیست بلکه به مراتب قوی‌تر از آدم ظاهر شده است. او در تحلیل این داستان می‌گوید: «چرا مار با زن صحبت می‌کند و با مرد صحبت نمی‌کند؟ اجازه بدهید که یک زن حدس بزند. اگر مار از هم نوعان خود ظریف‌تر است، زن نیز از شوهرش جذاب‌تر است. در سراسر داستان، او (حوا) باهوش‌تر، با روحیه جنگنده‌تر و حساس‌تر بوده است. او (حوا) کار تفسیر و توجیه را می‌داند. او تحریم خداوند را به این‌گونه تفسیر کرد: «این به این معنا نیست که تو به آن دست نزن». زن، هم مترجم است و هم الهی‌دان. او درخت را با همه مزایای آن در نظر داشت. درخت برای مواد غذایی خوب است. آن درخت تحریک فیزیکی (دست زدن) را دوست دارد. چشم‌نواز است. و بالاتر از همه، دارای منبع دانش و خرد است. بنابراین زن کاملاً از آن‌چه انجام می‌داد، آگاه بود. چشم‌انداز او به دست آوردن همه زندگی بود. او میوه را گرفت و خورد. او دارای قدرت ابتکار و تصمیم است. هیچ مشورتی با شوهرش وجود ندارد. او نه با شوهرش مشورت می‌کند و نه از او اجازه می‌گیرد. او مستقلاً عمل می‌کند. در مقابل، مرد، ساکت و منفعل است. حوا مقداری از میوه را به آدم داد و او خورد. روایت، مخالفت و تردیدی را از آدم به تصویر نمی‌کشد. عمل مرد، سکون است و ابتکاری در عمل او نیست. مرد برتر نیست. او تصمیم‌گیرنده نیست.<sup>۱</sup> از نظر تریبل، عملکرد برتر حوا نسبت به آدم، بعد از انجام گناه و زمانی که مورد پرسش از سوی خداوند قرار می‌گیرند، نیز ادامه دارد. در این نقطه هم، زن مسئولیت‌پذیرتر و صادق‌تر نسبت به مرد عمل می‌کند. آدم در مقابل سوال خداوند، می‌گوید زنی که تو برای من آفریدی، من را فریب داد و به نوعی مسئولیت را بر عهده خداوند و حوا دانسته و فرافکنی می‌کند. فعلی که او به کار می‌برد هم خدا و هم زن را شامل می‌شود اما در مورد پرسش خداوند از حوا، او می‌گوید: «مار مرا فریب داد و من خوردم». (۱۳:۳) در این جا یک فعل وجود دارد. خداوند نیز این ترکیب فعل و فاعل را می‌پذیرد و بدون این‌که حتی پرسشی از مار بکند، مار را نفرین می‌کند. لذا از نظر تریبل، حوا از آدم صادق‌تر بوده و بهتر عمل کرده است.

بدین ترتیب تریبل با رویکردی متفاوت رجوع اول شیطان به حوا را نه تنها دلیل

1. Ibid, p.436.

ضعف او نمی‌داند بلکه دلیل قدرت و برتری او می‌شمارد.

**مجازات زن به تبعیت از مرد:** نکته بعدی که تریبل در مورد آن به بحث می‌پردازد به پیدایش (۱۶:۳)<sup>۱</sup> برمی‌گردد که در آن خداوند تسلط مرد بر زن را به‌عنوان مجازات برای حوا قرار داد. این آیه از متن‌های دشواری است که فمینیست‌هایی چون تریبل را برای تفسیر آن دچار چالش کرده است. تفاسیر سنتی، این آیه را دلیل برتری مرد بر زن دانسته‌اند؛ اما تریبل آن را انحراف از آفرینش برابر می‌داند که به دلیل گناه به وجود آمد. یعنی اراده و خواست خداوند، برابری در آفرینش زن و مرد بوده است. اما در اثر گناه، این تعادل و موازنه در جهان به‌هم‌خورده و برتری مرد بر زن رخ داده است. این برتری مشیت و خواست الهی نیست که بخواهیم به آن مشروعیت بدهیم، بلکه به‌تبع گناه و ضرورتاً رخ داده و خداوند نیز در این آیه، توصیف‌گر این وضعیت نامتعادل است. در واقع حکمی از سوی خداوند صادر نمی‌شود، بلکه او وضعیت نابرابر را توصیف می‌کند. تریبل در این خصوص می‌نویسد: «زن و مرد قضاوت شدند و قضاوت آن‌ها گزارش و توصیفی از اثرات نافرمانی آن‌ها است. اگر ما این قضاوت‌ها را به‌جای توصیف، حکم بدانیم، آن را بد تعبیر کرده‌ایم. آن‌ها توصیف می‌کنند و تجویز نمی‌کنند».<sup>۲</sup> از نظر تریبل، با گناه نخستین، تعادل نظام هستی به هم می‌خورد و دو موجودی که باهم کاملاً برابر و یکسان بوده‌اند، دچار سلسله‌مراتب می‌شوند و هر دو در این وضعیت متضرر می‌شوند. او در این مورد می‌نویسد: «نگرانی ویژه در مورد کلماتی است که به زن گفته شده است که باید مرد بر او حکومت کند (۱۶:۳). این بیان مجوزی برای برتری مرد نیست. انقیاد و برتری، انحراف آفرینش است. از طریق نافرمانی، زن به برده‌ای تبدیل شد. ابتکار و آزادی عمل به صفر می‌رسد. مرد نیز در این ماجرا تباه شد، زیرا او نیز بر کسی که خداوند او را برابر قرار داده {یعنی زن}، حاکم شده است. تبعیت زن از مرد بر گناه مشترک آن‌ها دلالت می‌کند. این گناه همه روابط را از بین می‌برد: روابط میان حیوانات و انسان‌ها (۱۵:۳) مادر و فرزند (۱۶:۳)، زن و شوهر (۱۶:۳) مرد و خاک (۱۷:۳) (۱۸:۳)، مرد و کارش (۱۹:۳). درحالی‌که در آفرینش، هماهنگی

۱. و به زن گفت: «آلم و حمل تو را بسیار افزون گردانم با آلم فرزندان خواهی زایید و اشتیاق تو به شوهرت خواهد بود و او بر تو حکم‌رانی خواهد کرد».

2. Ibid, p.436.

و برابری وجود دارد و در گناه، بیگانگی و اختلاف وجود دارد.<sup>۱</sup>

تریبل نام‌گذاری دوم که در پیدایش (۲۰:۳)<sup>۲</sup> رخ داده است را هم به عنوان دلیلی بر به هم‌ریختگی نظم و تعادل اولیه می‌داند. مرد که در جایگاه برابر با زن قرار داشت به برتری دست‌یافته و عمل نام‌گذاری را انجام می‌دهد. در واقع، این سلسله‌مراتب و تبعیت زن از مرد در نیازها و موارد دیگر، اراده خداوند و ذاتی و طبیعی نیست، بلکه نتیجه و پی‌آمد گناه است که دامن‌گیر زن و مرد شده است.

تریبل راه را برای رهایی زنان از این درد و رنج باز می‌گذارد. طبق نظر او با توبه و بخشش، توسط خداوند، شروع جدیدی ممکن می‌شود. او می‌نویسد: «درد و رنج و ستمی که هم‌اکنون ما زنان و مردان تحمل می‌کنیم به دلیل سقوط ماست نه به دلیل آفرینش ما... آن داستان از زن و مرد می‌خواهد که توبه کنند و اصلاح شوند».<sup>۳</sup> این توبه و اصلاح، بازگشت به برابری و نظم نخستینی را که ذات و اساس آفرینش در آن مستتر است، ممکن می‌سازد.

### ۳. میکه بل

میکه بل (۱۹۴۶ میلادی) از زمره افرادی است که به ثبات متن و تفسیر آن معتقد نیستند. بل یک منتقد ادبی است و به‌طور صریح، تمام مفاهیم واقع‌بینانه از متن و معانی آن را رد می‌کند. از نظر او معنای ثابتی در متن وجود ندارد، بلکه متن در تعامل با خواننده تکثر خوانش را پدید می‌آورد و از این رو، معنای متن یا معنایی که در تاریخ پذیرش متن به وجود آمده، نمی‌تواند برجسته و حجت باشد. او نیز مانند دیگران به‌عنوان یکی از خوانندگان کتاب مقدس، خوانش خود را عرضه می‌کند تا پنجره جدید را در مواجهه با کتاب مقدس باز نماید. در مرکز خوانش او این ایده وجود دارد که این متن در سنت تحریف شده است.

سفر پیدایش از منظر بل، متنی در مورد گناه و سقوط نیست، بلکه در مورد فرآیند دردناک کمال است که در آن شخصیت کامل، از جهانی غیرواقعی از ابدیت شخصی، خارج

1. Ibid, p.436.

۲. و آدم، زن خود را حوا نام نهاد، زیرا که او مادر جمیع زندگان است.

3. Ibid.

و به جهانی از مسئولیت و کمال پا می‌نهد. این کمال طی مراحل برای آدم و حوا اتفاق می‌افتد. اولین مرحله این کمال، آفرینش آدم و حوا و جداسازی آن‌ها از ماده اولیه هاآدم<sup>۱</sup> بود که در فصل اول سفر پیدایش آمده است. داستان سقوط در ادامه داستان آفرینش و برای تکامل انسان طراحی شده است. از نظر بل، تصمیم حوا به خوردن میوه از درخت دانش خوب و بد، اولین عمل در راستای استقلال انسان است و مخلوقات انسانی را بیشتر در وضعیت برابر با خداوند قرار می‌دهد. برای بل، عمل حوا امری منفی نیست، زیرا در این حالت، انسان و خدا در یک رابطه واقعی و برابر قرار دارند و از یک رابطه مصنوعی دست‌نشانده و عروسک‌گردان خارج می‌شوند. بل معتقد است که حوا گناه نکرد بلکه دست به انتخابی زد که نتیجه آن ظهور شخصیت انسانی است. رفتار یهوه نسبت به مجازات حوا نیز مجازات نبوده، بلکه نتیجه و عواقب اختیار و گزینش انسان است که به‌عنوان جلوه دیگری از واقعیت زندگی بشر خود را نشان داده است.

بل مسیر تکامل دوم بشر، بعد از آفرینش را از آخرین آیه فصل دوم پیدایش، آغاز می‌کند. او معتقد است میان یک موجودیت تاریخی و آغاز تاریخ، آخرین آیه فصل دوم پیدایش<sup>۲</sup> می‌تواند به‌عنوان دوره گذار تعبیر شود. این آیه نشان‌دهنده تغییری است از مرحله آفرینش به سمت مرحله تکامل که در قالب داستان سقوط بیان شده است. طبق این آیه، آدم و حوا با این‌که برهنه بودند ولی احساس خجالت نمی‌کردند. آن‌ها مانند بچه‌هایی ساده و معصوم بودند که از برهنگی خود خجالت نمی‌کشیدند. بل می‌نویسد: «بعد از داستان آفرینش، بدن، و بعد از این‌که جنسیت میان بدن‌ها تفاوت ایجاد کرد، داستان پیشرفت، از مرحله ناآگاهی<sup>۳</sup> به مرحله آگاهی از بدن<sup>۴</sup> در قالب داستان سقوط بیان شد.»<sup>۵</sup> با این آگاهی و شناخت جنسی، هویت و شخصیت بشر شکل می‌گیرد و تمام داستان سقوط برای نشان دادن نحوه شکل‌گیری این هویت است. از نظر بل، طراحی این داستان به‌وسیله خداوند انجام شده و مار و حوا هرکدام نقش خود را به خوبی انجام داده و دارای کارکرد مثبت‌اند.

1. ha-adam.

۲. و آدم و زنش هر دو برهنه بودند و خجالت نداشتند (۲:۲۵).

3. Unawareness.

4. Awareness of the body.

5. Bal, Mieke, "Sexuality, Sin and Sorrow: The Emergence of Female Character A Reading of Genesis 2-3", *Poetics Today*, vol.6:1-2, 1985, p.31.

بل برای نشان دادن این مسیر تکامل، تمرکز خود را بر مسئله درخت قرار می‌دهد. شناخت درخت و این‌که اساساً مسئله تحریم به چه چیزی تعلق گرفته است، مورد توجه او قرار گرفته است.

### ۳. ۱. تحریم، محرک تکامل بشر

در طرحی که میکه بل ارائه می‌کند، مار دارای کارکرد مثبت است. از نظر او مار، اولین موجودی است که در این بخش از شناسایی هویت، ظاهر شده است. اولین ویژگی مار، زیرکی او بود که بر استعداد و هوش او دلالت می‌کند و الزاماً با فریب همراه نیست. مار این ویژگی را با این بیان نشان داد: «آیا خدا حقیقتاً گفته است که از همه درختان باغ نخورید؟» (آیه ۱:۳). بل معتقد است ارائه‌ای که مار از فرمان خداوند به صورت مطلق و کلی داده است و به نوعی به ظالمانه بودن آن اشاره دارد، به صورت ضمنی حس طغیان و شورش را بر می‌انگیزاند. رد کردن سخن مار، به سادگی و با بیان این‌که این سخن مار دروغ بوده است، امکان‌پذیر نیست. در سفر پیدایش (۱۷:۲-۱۶)، خداوند به آدم گفت: «از همه درختان باغ بی‌ممانعت بخور اما از درخت معرفت نیک و بد زنه‌ار نخوری، زیرا روزی که از آن خوردی، هر آینه خواهی مرد». مطابق این آیه انسان می‌توانست از میوه همه درختان به جز یک مورد بخورد. باید ببینیم آن درخت کدام درخت بوده است؟<sup>۱</sup> در واقع شناسایی درخت به بل کمک می‌کند تا انتخاب حوا را توجیه نماید و عمل او را در مسیر کمال بشر قرار دهد. این‌که دو درخت حیات و دانش نیک و بد وجود داشته و یا یک درخت بوده است، محل چالش است. بل در این خصوص می‌نویسد: «در پیدایش ۹:۲، خداوند انواع درختان را توضیح داده است. در این آیه آمده است: و خداوند خدا هر درخت خوش‌نما و خوش-خوراک را از زمین رویانید، و درخت حیات را در وسط باغ و درخت معرفت نیک و بد را (۹:۲). حال سؤال این است که آنچه نهی شده است، مجموع این دو درخت را در برمی‌گیرد یا تنها یکی از این دو درخت مورد نهی خداوند قرار گرفته است؟ این قطعه مورد بحث‌های زیادی شده است».<sup>۲</sup> بل سپس سه احتمال را در مورد چگونگی وضعیت این

1. Ibid, p.31.

2. Ibid, p.32.

دو درخت بیان می‌نماید.

احتمال اول این است که تنها یک درخت وجود داشته است. او می‌نویسد: «همان‌طور که وسترمان<sup>۱</sup> (۱۹۶۶ میلادی) بیان می‌کند تنها یک درخت وجود داشته که دو بار توصیف شده است. زیرا دو نسخه از داستان در این‌جا باهم ترکیب شده است. در این صورت، عبارت به این شکل معنا پیدا می‌کند که درخت زندگی یعنی درخت دانش. این تفسیر از پاسخ حوا به مار حمایت می‌کند، زیرا حوا به مار گفت که تنها یک درخت که در وسط باغ است مورد نهی قرار گرفته است. مطابق پیدایش (۳:۲-۳)، حوا به مار گفت: «ما اجازه داریم از میوه همه درختان بخوریم، به‌جز میوه درختی که در وسط باغ است. خداوند امر فرموده است که از میوه آن درخت نخوریم و حتی آن را لمس نکنیم وگرنه می‌میریم». در این صورت یک درخت که دارای دو نام حیات و دانش بود در وسط باغ قرار داشت و یهوه امر کرده بود که از آن نخورند. برای تأیید بیشتر این نظر، می‌توان به سنت‌های اسطوره‌ای نیز مراجعه نمود. در بسیاری از اسطوره‌ها، یک درخت از زندگی به‌وسیله مار محافظت شده است.<sup>۲</sup> از نظر بل، مشکل در این تفسیر، ارتباط میان زندگی و دانش نیک و بد است. اگر منظور از دانش، همان‌گونه که بیان شد، دانش شناخت جنسیت باشد، هر دو توصیف، مترادف شده و زندگی یا جاودانگی همان ارزش دانش را پیدا می‌کنند. البته اوستن<sup>۳</sup> و مایر<sup>۴</sup> بیان می‌کنند که صفت خوب و بد ممکن است بعداً اضافه شده باشد. این به این معنا است که داوروی اخلاقی بر جنسیت، ابتکار بعدی بوده و بعداً اضافه شده است.<sup>۵</sup>

احتمال دوم از نظر بل این است که دو درخت مجزا از هم در باغ وجود داشته است. وجود این دو درخت را بخش‌هایی از داستان تأیید می‌کند. مطابق پیدایش (۳:۲۲-۲۴)،<sup>۶</sup>

1. Westermann
2. Ibid, p.32.
3. Oosten
4. Moyer
5. Ibid.

۶. و خداوند خدا گفت: «همانا انسان مثل یکی از ما شده است، که عارف نیک و بد گردیده. اینک مبادا دست خود را دراز کند و از درخت حیات نیز گرفته بخورد، و تا به ابد زنده ماند.» پس خداوند خدا، او را از باغ عدن بیرون کرد تا کار زمینی را که از آن گرفته شده بود، بکند. پس آدم را بیرون کرد و به طرف شرقی باغ عدن کروبیان را مسکن داد و شمشیر آتش‌باری را که به هر سو گردش می‌کرد تا طریق درخت حیات را محافظت کند.

یهوه از این که مرد به درخت دانش، دسترسی یافت، عصبانی شده، او را از باغ اخراج نموده و نگهبانی برای درخت حیات می‌گمارد. در این احتمال، تفسیری که توسط حوا از ممنوعیت درخت، مطابق پیدایش (۳:۲-۳)<sup>۱</sup> آمده بود و تحریم را متوجه یک درخت کرده بود، اشتباه می‌شود. اغلب این مورد به‌عنوان دلیلی بر ناآگاهی حوا مطرح می‌شود. اما این که میان حوا و مار مدام در مورد درخت دانش، بحث می‌شود و چیزی از درخت زندگی گفته نمی‌شود، محل تأمل است. هم‌چنین ممکن است کسی بپرسد که چگونه به یک‌باره خداوند نگران درخت حیاتی شده است که تا آن موقع، ممنوع نیز نکرده بود.

بل، احتمال سومی را نیز مطرح می‌کند و این احتمال را قوی‌تر می‌داند. از نظر او در واقع دو درخت مختلف وجود داشته است که یکی جاودانگی و دیگری دانش را در بر داشته است. این دانش، (بر اساس فعل *jada* که هم به معنای دانستن<sup>۲</sup> است و هم به معنای تماس جنسی داشتن<sup>۳</sup> است) شامل دانش جنسی می‌شود و جاودانگی؛ جاودانگی، شخصی نیست بلکه جاودانگی نوع بشر است. این دو درخت قبل از دانش بشر، از هم جدا بودند و بعد از دست‌یابی بشر به دانش، تغییر کردند. بنابراین، سردرگمی زن از دو درخت به دلیل نفهمیدن آن نبود، بلکه به دلیل هوش بالای او بود. در واقع این دو درخت پس از دانش و آگاهی، تبدیل به یک درخت می‌شوند و هر دو، دو روی یک واقعیت هستند. او برای این که این مسئله را بیشتر توضیح دهد، به بیان تناقض سخن مار با وعده یهوه می‌پردازد. سخن بعدی مار در تضاد با استدلال خداوند برای تحریم است. خداوند در پیدایش (۱۷:۲) گفته است: «هنگامی که شما از آن درخت بخورید، شما قطعاً خواهید مرد». در حالی که مار گفت: «در واقع شما نخواهید مرد، بلکه چشم شما باز خواهد شد و شما مانند خدا، خوب و بد را می‌دانید» (پیدایش ۳:۴-۵). برای توجیه این تناقض، بل می‌گوید: «در واقع، دانش جنسی، چشم شما را باز می‌کند و شما را هم می‌میراند و هم نمی‌میراند. او به شما اجازه می‌دهد تا بچه‌دار شوید و زندگی کنید و تاریخ را با توالی نسل‌ها در زندگی و مرگ بسازید. از این رو، آنچه حوا دید و به نظرش زیبا آمد، حقیقتی است که مستوجب سرزنش نیست. این

۱. زن به مار گفت: «از میوه درختان باغ می‌خوریم، لکن از میوه درختی که در وسط باغ است، خدا گفت از آن نخورید و آن را لمس نکنید، مبادا بمیرید».

2. To Know

3. To Have Sex



دیدن، بینشی عاقلانه و بصیرتی واقعی برای پذیرش شرایط زندگی و مرگ است.<sup>۱</sup> هر دو (یهوه و مار) با نگه داشتن بخشی از اطلاعات و عدم بیان آن، دروغ نگفتند؛ بلکه تمام حقیقت را بیان نکردند. خداوند با تأکید بر یکی از جنبه‌های درخت که همان مرگ‌ومیر است و مار با تأکید بر جنبه دیگر درخت که دانش است، هر دو بخشی از حقیقت را گفته‌اند و بخش دیگر را نگفته‌اند. هر دو با همکاری یکدیگر به فریب انسان در پذیرش اجتناب‌ناپذیر واقعیت کمک کردند. آن واقعیت، توهم کودکانه جاودانگی شخصی بود. زن کلام هر دو بازیگر را در ارتباط با سود و مصلحت زندگی تفسیر کرد و سپس تصمیم خودش را گرفت. در این وضعیت مار دارای کارکرد مثبت همکاری با یهوه است. هم‌چنین در فلسفه، یکی بودن دو درخت مطرح شده مشخص می‌شود. این دو درخت به یک درخت تبدیل می‌شود. حوا به دلیل هوش بالا و سرشار خود، به این واقعیت پی می‌برد و دست به انتخاب می‌زند. همه این طراحی‌ها برای تحریک انسان به انتخاب و استفاده از اختیار خود بوده است تا تکامل یافته و طرح خداوند برای ساخت بشر به صورت خود کامل شود.

از نظر بل، مار، درخت و خدا به ترتیب به عنوان کنش‌گران تکامل انسان در اسطوره آفرینش نقش داشته‌اند. درخت به عنوان فراهم‌کننده فریب، مار به عنوان فریب‌دهنده واقعی و یهوه به عنوان تحریم‌کننده، نقش‌هایی کوچک، اما ضروری و مهم را در مسیر تکامل آفرینش داشته‌اند. بل در این مورد می‌نویسد: «زن با عملکردی پیچیده و متناقض نما، عمل آفرینش انسان به صورت خداوند را که ابتدا توسط خداوند انجام شده بود، کامل کرد. این شباهت به خدا، همانی بود که مار به عنوان جذابیت اصلی درخت بیان نمود. این شباهت، شامل آزادی در عمل می‌شود. آزادی که حتی در موارد ممنوع نیز به کار می‌رود. زن وضعیت خود را در داستان، بالا برد. نافرمانی او، اولین عمل مستقلی بود که او را به عنوان شخصیت مستقل، قدرتمند ساخت. نه تنها او قادر بود تا میوه را به مرد بخوراند، بلکه او توانست یهوه را که قادری مطلق در پیدایش اول بود، به شخصیتی با وضعیت برابر، ویژگی برابر و احساسات برابر {با خود} تبدیل کند. خدایی که در پیدایش اول مانند روح در توده‌های تاریک حرکت می‌کرد (پیدایش ۱: ۲)، تبدیل به شخصیتی شد که عصبانی شده و حتی بعد از آن

1. Ibid, p.33.

در پیدایش (۲۲:۳)<sup>۱</sup> می‌ترسد.<sup>۲</sup> از نظر بل، حوا تکامل‌بخش آفرینش انسان به صورت خداوند است. او با انتخاب خود از روی اختیار، هویت یافت و این هویت‌یابی بشری، ابتدا توسط جنس زن، انجام پذیرفت و سپس از طریق او و با خوراندن میوه به آدم، جنس مرد نیز هویت می‌یابد. این هویت، هویتی است برابر با خداوند، تا شخصیت آنان کمال یابد. نکته دیگر این است که معرفت و شناختی که پس از آفرینش نخستین بوجود می‌آید، معرفت جنسی است که پس از آن آدم، خود را از مواجهه با خداوند، به صورت برهنه، دور می‌دارد و پوشش، برای آنان به شکل یک مسئله مطرح می‌شود. این معرفت جنسی موجب تفکیک جنس می‌شود و به عبارت دیگر این جنسیت است که جنس را می‌سازد.

### ۲.۳. مجازات یا نتیجه انتخاب؟

از نظر بل، زن و مرد از تحریم یهوه سرپیچی کردند. حوا بازیگر برجسته این داستان بود. او دقیقاً گناه نکرد. او واقعیت را انتخاب کرد. بنابراین عمل یهوه را نباید یک مجازات در نظر گرفت. این مجازات، نتیجه و عواقب ناشی از اختیار انسان است که نمایش و ارائه دیگری از زندگی انسان را نشان می‌دهد. این استیضاح و بازخواست خداوند، ویژگی دیگری را به ساختار شخصیت اضافه کرد. خداوند با این کار مسئولیت‌پذیری را به آنان آموخت. بل در تفسیر این بخش از داستان سقوط می‌نویسد:

خداوند ابتدا به مرد خطاب کرد. شرمندگی مرد از برهنه بودن موجب افشای حقیقت شد. «که تو را آگاهانید که عریانی؟» (۱۱:۳) درواقع آگاهی از برهنگی، نتیجه ضروری دانش جنسی بود. خداوند صحبت کرد و مرد نیز این بار صحبت نمود. در این جا مرد در جریان یافتن داستان، شریک می‌شود و می‌تواند عمل کند. مرد سعی کرد تا زن و یهوه را به این

۱. در این آیه آمده است: «و خداوند خدا گفت: «همانا انسان مثل یکی از ما شده است، که عارف نیک و بد گردیده. اینک مبادا دست خود را دراز کند و از درخت حیات نیز گرفته بخورد، و تا به ابد زنده ماند». بل معتقد است مطابق این نظر، خداوند از عمل بعدی انسان، مبنی بر خوردن از درخت حیات می‌ترسد و در ادامه مطابق آیه ۲۴: «پس آدم را بیرون کرد و به طرف شرقی باغ عدن کروبیان را مسکن داد و شمشیر آتش- باری را که به هر سو گردش می‌کرد تا طریق درخت حیات را محافظت کند»، فرشتگانی را برای محافظت از درخت حیات به کار می‌گیرد.

2. Ibid, p.35.

دلیل که این زن را به او داده بود، سرزنش کند. سپس یهوه به سمت زن برگشت و زن، مار را سرزنش نمود. مار مخاطب بعدی قرار گرفت، اما به عنوان یک سوژه<sup>۱</sup> قادر به صحبت کردن نبود. یهوه بلافاصله و بدون این که از او پرسشی بکند، او را نفرین کرد. او وضعیت مار را به عنوان شخصیت، محدود کرد. مار به وضعیت یک حیوان لال، سقوط کرد. محتوای نفرین این است که از این پس تصویری واقع بینانه<sup>۲</sup> از مار به عنوان خزنده ای خطرناک را شاهد هستیم.<sup>۳</sup> مطابق نظر بل، فهمیدن برهنگی از سوی آدم، نشان دهنده مراحل اولیه شکل گیری شخصیت اوست. هم چنین صحبت کردن با خداوند نیز به او توان برابری با خداوند را می دهد و همه این ها می تواند در مسیر تکامل، دیده شود. بل به تفسیر آیه ۱۶:۳ که از آیات حساس و مورد چالش فمینیستی است می پردازد. از نظر بل، ایجاد نقش های جنسی<sup>۴</sup> در آیات شانزدهم تا نوزدهم باب سوم سفر پیدایش بیان می شود. او ابتدا به ارائه متنی از آیه شانزدهم می پردازد که با متن های قبلی تفاوت دارد. او متن این آیه را این چنین آورده است: «من رنج کارگری و زایمان تو را چند برابر خواهم کرد و از این به بعد، فرزند خواهی آورد و مشتاق شوهرت خواهی بود و او بر تو حکومت خواهد کرد». این آیه همان طور که در متن پیدایش آورده شده، این چنین آمده است: «و به زن گفت: آلم و حمل تو را بسیار افزون گردانم. با آلم فرزندان خواهی زایید و اشتیاق تو به شوهرت خواهد بود و او بر تو حکم رانی خواهد کرد». این متن آیه با متن قبلی آیه تفاوت دارد. در آیه ای که میکه بل به آن استناد می کند صحبت از رنج کارگری و چند برابر شدن درد زایمان است که در متون قبلی چنین چیزی وجود ندارد. به هر حال او بر استناد همین آیه تفسیر خود را ارائه می دهد. او در تفسیر این آیه بیان می کند که کلمه چند برابر، کمی عجیب است. چون هنوز فرزندی به دنیا نیامده بود تا میزان درد چند برابری برای زن مشخص شود. کلمه کارگر<sup>۵</sup> که در خطاب به مرد نیز تکرار شده است، نشان دهنده تقسیم کار میان دو جنس است: مرد برای غذا کار می کند و زن برای بچه ها.<sup>۶</sup> این نشان می دهد زن و مرد هر کدام نقش های

- 
1. Subject
  2. Realistic Image
  3. Ibid, p.36.
  4. Sex Roles
  5. Labor
  6. Ibid, p.37.

جنسی مربوط به خود را می‌پذیرند. از نظر او یهوه به ارائه نقش‌های اجتماعی مناسب به زن و مرد پرداخت و به‌نوعی به شکل یافتن شخصیت آن‌ها کمک کرد. او این نقش‌ها را محدودکننده و ظالمانه می‌داند که دنیای مدرن، آن را نمی‌پذیرد و در تلاش برای حذف آن است. باروری<sup>۱</sup> و سلطه نقش‌هایی هستند که از طرف یهوه ارائه می‌شود. قدرت و سلطه، سازمان زندگی اجتماعی را ایجاد می‌کند. درحالی‌که مشخصاً توزیع نقش‌ها در تولید به نحوی که زن، فرزند تولید کند و مرد، غذا تولید کند، کار را شکل می‌دهد. باروری موجب زحمت می‌شود و سلطه، مشتاق بودن را به‌عنوان پیش‌شرط خود، فرض می‌کند. در قدرت مشروع، علاوه بر وجود مؤلفه اقتدار در شخص حاکم، شخص زیردست نیز باید این قدرت را به‌عنوان قدرتی مشروع بپذیرد که در این صورت کلمه مشتاق بودن در آیه نشان‌دهنده پذیرش این اقتدار از سوی زن می‌باشد. البته بل معتقد است دنیای مدرن، این اشتیاق و پذیرش زن را نمی‌پذیرد و از این رو، قدرت مردسالاری دچار بحران عدم مشروعیت می‌شود. بنابراین نقش‌های سنتی که در کتاب مقدس بیان شده در دنیای مدرن با نقش‌های مثبت‌تری جایگزین می‌شود.

#### نتیجه

تفاسیر فمینیستی با رویکرد طرفداری از حقوق زنان به بازخوانی کتب مقدس پرداخته و به دنبال ارائه تفسیری جدید با استفاده از تجربه زنان می‌باشد. این تفاسیر، به دلیل رویکردهای تفسیری و مبانی الاهیاتی مفسران آن‌ها، دچار تنوع و تکثر شده و در عمل، دنیای تفسیر برخلاف قبل با تفسیر فمینیستی مواجه شده و این‌گونه تفاسیر، از کتاب مقدس شکل گرفته است. در این مقاله دو تفسیر از دو جریان تفسیری لیبرال به نمایندگی فیلیس تریبل، و پست مدرن، به نمایندگی میکه بل با یکدیگر مقایسه شده‌اند و تفسیر هر یک از این دو مفسر از یک متن واحد ارائه شده است. فیلیس تریبل تعهد خود را به متن کتاب مقدس حفظ نموده و سعی در ارائه تفسیر خود در چارچوب الهیات مسیحی دارد. تفسیر او با رویکرد طرفداری از حوا به‌عنوان نماینده زن در داستان سقوط، شکل گرفته و با پذیرش اصل گناه و نقش حوا در این ماجرا، سعی در توجیه عمل حوا دارد و مجازات خداوند را

#### 1. Fertility

نیز از عواقب بی نظمی حاصل از گناه می‌داند. او برتری مرد بر زن را امری ذاتی و طبیعی و دائمی نمی‌داند و با موقت کردن این سرنوشت، راه را برای تغییر این شرایط برای زنان باز می‌گذارد. تفسیر میکه بل به عنوان نماینده جریان پست‌مدرن اساساً داستانی خلاقانه و ابتکاری است که در بستر تفسیر داستان سقوط، داستان مفسر از آن روایت می‌شود. تعهدی از سوی میکه بل برای پایبندی به متن مورد تفسیر احساس نمی‌شود و در جریانی متفاوت، این داستان به عنوان مسیر اجتناب‌ناپذیر کمال بشر ترسیم می‌شود. در طراحی خداوند، مار، درخت و حوا، هر کدام نقش خود را به خوبی ایفا می‌کنند تا هویت و شخصیت بشری شکل گرفته و دانش جنسیتی به عنوان معرفتی تکامل‌بخش به انسان ارائه شود. حوا چون کودکی که بذره‌های ابتدایی هویت‌یابی خود را در مخالفت با والدین خود می‌یابد، در مقابل امر پدر آسمانی خود مخالفتی گریزناپذیر دارد تا بذره‌های هویت و شخصیت بشر جوانه زند. در این مسیر مجازات، به عنوان عواقب و نتیجه این انتخاب نشان داده شده و به عنوان امری اجتناب‌ناپذیر و مسئولیت‌بخش فروکاسته می‌شود. بل به عنوان یک منتقد فمینیست حق دارد که نقش‌های جنسیتی ارائه شده در این کتاب را نپذیرد و راه را برای تغییر آن به دست زنان جامعه مدرن باز بگذارد.

به این ترتیب این دو تفسیر که در حمایت و طرفداری از حوا، هم‌پیمان بوده‌اند هر یک مسیری جداگانه را برگزیده و با ریشه‌هایی مشترک، میوه‌هایی متفاوت را آفریده‌اند.

#### منابع

- کتاب مقدس، انتشارات ایلام، چاپ سوم، ۲۰۰۲م.

- Augustine, *The Literal Meaning of Genesis*, vol.1, Ancient Christian Writers. vol.41. Translated and annotated by John Hammond Taylor, S.J. New York, Paulist Press, 1982.
- Bal, Mieke, "Sexuality, Sin and Sorrow: The Emergence of Female Character A Reading of Genesis 2-3", *PoeticsToday*, vol.6:1-2, 1985.
- Brueggemann, Walter, *Theology of the Old Testament*, Fortress Press. 2005.
- Camp, Claudia V., "Feminist Theological Hermeneutics: Canon and Christian Identity", *Searching the Scriptures*, Elisabeth Schüssler Fiorenza(ed.), New York, NY, Crossroad, 1993.
- Cassuto, U., *A Commentary on the Book of Genesis*, Part I, Jerusalem, The Magnes Press, 1961.
- Hampson, Margaret Daphne, *After Christianity*, London, SCM Press, 1996.
- Johnston, Robert K., "Biblical Authority and Interpretation: The Test Case of Women's Role in the Church and Home Updated", *Women, Authority and the*

- Bible*, Alvera Mickelsen(ed.), Downers Grove, IL, Inter Varsity, 1986.
- Kristen E, Kvam, Linda S; Ziegler, Valarie H, *Jewish Christian, and Muslim Readings on Genesis and Gender, Shearing, Eve and Adam*, Indiana University Press, 1999.
  - Newport, John, "The Challenge of Recent Literary Approaches to the Bible, in Beyond the Impasse?" *Scripture, Interpretation, & Theology in Baptist Life*, Robison B. James and David S. Dockery(ed.), Nashville, TN, Broadman Press, 1992.
  - Osiek, Carolyn, "The Feminist and the Bible: Hermeneutical Alternatives, ISS", *JJTS* 53/4, 1997.
  - Ruether, Rosemary Radford., "Feminist Interpretation: a Method of Correlation", *Feminist Interpretation of the Bible*, Letty M. Russell(ed.), Westminster Press, Philadelphia, 1985.
  - Tertullian, *On the Apparel of Women*, S. Thelwall(trans.), in Alexander Roberts and James Donaldson, editors, *The Ante-Nicene Fathers*, New York, Christian Literature Company, vol.4., 1890.